

خیابان های مه آلود

روایتی خودمردم نگارانه از فرهنگ امروز غرب

محمّد باقر فاضلی

www.ketab.ir

انتشارات علمی و فرهنگی

چاپ نخست

تهران ۱۴۰۰



انتشارات علمی و فرهنگی

سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور
مشخصات نشر
مشخصات ظاهری
شابک
وضعیت فهرست‌نویسی
یادداشت
عنوان دیگر
عنوان دیگر
موضوع
موضوع
موضوع
رده‌بندی کنگره
رده‌بندی دی‌جی
شماره کتابشناسی مل

فاضل، نعمت‌الله، ۱۳۴۳ -
خیابان‌های مه‌آلود؛ روایتی خودمردم‌نگارانه از فرهنگ امروز غرب / نعمت‌الله فاضل
تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۹.
چهل و شش، ۵۹۳ ص:
۹۷۸ - ۹۷۰ - ۲۳۶ - ۶۰۰ - ۹۷۸
فیفا
کتابنامه: ص. ۵۸۳.
روایتی خودمردم‌نگارانه از فرهنگ امروز غرب
مردم‌نگاری سفر: توصیف‌ها و تحلیل‌های انسان‌شناختی از فرهنگ و جامعه امروز غرب
فاضل، نعمت‌الله، ۱۳۴۳ - -- سفرها -- انگلستان
انسان‌شناسی
Anthropology
GN ۲۵
۳۰۱
۶۲۰۷۶۶۳

خیابان‌های مه‌آلود روایتی خودمردم‌نگارانه از فرهنگ امروز غرب

نویسنده: نعمت‌الله فاضل (استاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)
چاپ نخست: ۱۴۰۰
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
حروفچینی و آماده‌سازی: انتشارات علمی و فرهنگی
لیتوگرافی، چاپ و صحافی: شرکت چاپ و نشر علمی و فرهنگی کتیبه
حق چاپ محفوظ است.

اداره مرکزی:
تهران، بلوار تلسون ماندلا، تقاطع حقانی (جهان کودک)، خیابان انتشارات علمی و فرهنگی
(کمان سابق)، پلاک ۲۵؛ کدپستی: ۱۵۱۸۷۳۶۳۱۳، تلفن: ۵۸۴۱۵
فروشگاه مرکزی (پرنده‌آبی):
بلوار تلسون ماندلا، بین بلوار گلشهر و ناهید، ابتدای کوچه گلفام، پلاک ۷۲؛ تلفن: ۲۲۰۲۴۱۴-۳
فروشگاه یک:
خیابان انقلاب، روبه‌روی در اصلی دانشگاه تهران؛ تلفن: ۱۶-۶۶۹۶۳۸۱۵ و ۶۶۴۰۰۷۸۶
فروشگاه دو:
خیابان کریم‌خان زند، بین قائم مقام فراهانی و خردمند، پلاک ۱۳؛ تلفن: ۷-۸۸۳۴۳۸۰۶



فهرست مطالب

سپاسگزاری	پانزده
مقدمه: سفر و آشنایی زدایی	نوزده
دیدگاه سیاحتی و گردشگرانه	سی و یک
دیدگاه روزنامه نگارانه	سی و دو
شرح حال نویسی	سی و سه
دیدگاه تجربه گرایانه و دانشگاهی	سی و چهار
دیدگاه انسان شناختی	سی و پنج
مردم نگاری	سی و شش
برای که بنویسیم؟	چهل و یک
محتوای این کتاب	چهل و پنج

فصل اول: از تهران تا لندن	۱
آغاز سفر	۱
پرواز از مهرآباد	۱۵
هیترو	۱۹
کانون توحید	۲۳
خوابگاه بین المللی	۲۶
انگلستان، انگلیس، بریتانیا، یو کی یا اسکاتلند، ولز، ایرلند...	۳۱

۳۴	کلیسای بین‌المللی
۳۹	انجیل فارسی
۴۰	تبلیغ برای حضرت مسیح (ع)
۴۰	احیای مسیحیت

۴۵	فصل دوم: بریتانیای پسامدرن
۴۶	فرهنگ پست‌مدرن
۵۰	گشت‌وگذار در بازار
۵۱	حلقه‌های هویت
۵۱	کیوسک‌های فردیت
۵۲	دوچرخه زندگی
۵۳	منزلت انسان
۵۳	معجزه علمی
۵۴	موهای پست‌مدرن
۵۷	بازار دموکراتیک
۶۰	تسامح فرهنگی
۶۰	بنیاد قلب بریتانیا
۶۶	کسرتی برای فقرا
۶۸	رقص موریس
۶۹	کراوات اسلامی

۷۵	فصل سوم: مردم‌نگاری یک بیماری و بیماری یک مردم‌نگار
۷۵	یادداشت‌ها و برداشت‌ها از بیمارستان
۷۵	مقدمه‌ای بر روش‌شناسی
۷۸	آغاز روایت
۸۴	قفس آهنین
۸۶	دهکده جهانی مهاجران
۹۰	کارگران وولویچ
۹۲	قطار نوح
۹۶	اتکینسون مورلی
۹۷	باورهای بیمار و بیماری باورها

۹۹	مکعب‌های سنگی
۱۰۰	بخش بوند استریت
۱۰۲	همه چیز برای وطنم
۱۰۴	انسان درمانگر - انسان درمان‌شونده
۱۰۸	عطش خواندن
۱۱۰	سمفونی مردگان
۱۱۱	مناسک گذر
۱۱۳	خلقیات انگلیسی‌ها
۱۱۶	تولد دیگر
۱۱۹	چشم‌ها را باید شست
۱۲۳	عقاید قالبی
۱۲۵	مسئله‌سازی جنسی
۱۲۹	پرستاری پسامدرن
۱۲۹	پرستار - دانشجو
۱۳۲	یک تجربه جالب
۱۳۳	جای انگلیسی

۱۴۱	فصل چهارم: سفر نوروزی به گریت یارموث
۱۴۱	سوءتفاهم فرهنگی
۱۴۲	اردوی فرهنگی
۱۴۳	مارش جنگ
۱۴۴	بهانه شیرین
۱۴۴	سرگرمی سیاست
۱۴۶	کودکی صدام
۱۴۸	دلم برای خودم می‌سوزد!
۱۴۹	ماجرای یک هم‌ولایتی
۱۵۱	قبله در غرب
۱۵۳	اردوگاه‌های تفریحی
۱۵۴	افتاحیه
۱۵۵	بحث گروهی داغ و دسته‌گل من
۱۵۷	مطبوعات زدگی و راه دور

مقدمه

سفر و آشنایی‌زدایی

انسان‌شناس کسی است که در پایان هر امری اقدام به نوشتن و ثبت آن می‌کند.

جین جکسون^۱

سفرنامه مقدمه و مؤخره نمی‌خواهد. سفرنامه روایت خلافت‌نمیشاهدات مسافر از مجموعه حوادث، رویدادها، گفت‌وگوها و ارتباطاتش است. جایی شروع می‌شود و در جایی پایان می‌یابد؛ مقدمه‌اش همان مقدمات سفر است. اما از آنجا که نه ادیب و داستان‌نویس هستم و نه نیتم از نوشتن این گزارش‌ها صرفاً تدارک سفرنامه‌ای به رسم سفرنامه‌های موجود است، لازم دانستم که مقدمه‌ای بنویسم و بگویم چه چیزهایی و چرا باعث نوشتن این گزارش‌ها شدند، چگونه این گزارش‌ها را نوشتم، این گزارش‌ها چه ارزشی ممکن است داشته باشند، چه کسانی می‌توانند مخاطب آن باشند و چند پرسش ضروری دیگر. لطفاً با کمی حوصله این مقدمه طولانی را از نظر بگذرانید!

جمعه بیست دسامبر ۱۹۹۸ وارد فرودگاه هیترو^۲ در لندن شدم. برای ادامه تحصیل در مقطع

1. Jackson, J., 1990, "I Am a Fieldnote", In Sanjek, R. (ed.), Fieldnote: The Making of Anthropology, Ithaca and London: Cornell Uni Press, p. 15.

2. Hithro

دکتری در رشته انسان‌شناسی^۱ در «مدرسه مطالعات شرق و آفریقا»^۲ به دانشگاه لندن آمدم. اقامتم پنج سال به طول انجامید. پنج سال زندگی در پایتخت بریتانیا فرصتی استثنایی بود تا به منزله تحصیل کرده علوم اجتماعی و تربیت‌شده جامعه‌ای که آن را شرقی، آسیایی، خاورمیانه‌ای، دین‌سالار، جمع‌گرا، گذشته‌گرا، اقتدارگرا، توسعه‌نیافته (یا در حال توسعه)، سنتی (یا در حال گذار)، جهان‌سومی، جنوبی، پیرامونی و استبدادزده می‌نامند، از نزدیک با نمونه‌ای بارز و مشخص از جامعه مقابل آن، یعنی جامعه و فرهنگی غربی، اروپایی، سکولار (یا انسان‌گرا)، فردگرا، حال‌محور، توسعه‌یافته، مدرن، جهان‌اولی، شمالی، مرکزی و دموکراتیک، آشنا شوم.^۳ این‌ها آموزه‌هایی بود که درست یا نادرست، سال‌های متمادی در متون علوم اجتماعی در وصف خود و جوامع اروپایی خوانده بودم و همانند دیگر همکارانم آن‌ها را با شوق تدریس می‌کردم و به دانشجویان یاد می‌دادم، بی آنکه هرگز شناخت و تجربه‌ای ملموس و عینی داشته باشم از جامعه‌ای متفاوت با آنچه در آن پرورش یافته و زیسته بودم. ذهنم انباشته از دانستی‌هایی بود که به من آموخته شده بود، در خالی که خود سهمی در تولید و تحصیل آن‌ها نداشتم. پنج سال زندگی در لندن محلی بود تا راه تازه‌ای به روی خودم بگشایم و تا حدی درستی یا نادرستی آنچه می‌دانستم را بیازمایم.

ایران در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ — دوران تشکیل‌گیری شخصیت نسل من — در انزوای بین‌المللی به سر می‌برد، انزوایی که هنوز هم، به رغم تحولات بسیار، سایه‌اش بر سر جامعه ایران سنگینی می‌کند.^۴ چنین بود که مجال و امکانی فراهم نبود تا نسل من بتواند پا را از گلیم سرزمین خود کمی فراتر بگذارد — چنان که هنوز هم این امکان جز برای عده‌ای قلیلی فراهم نیست — و ضرورت و اشتیاق و میل به دانستن درباره «خویشتن فرهنگی خود» و «فرهنگ دیگری» در ما شکل نمی‌گرفت. اما هنگامی که به بریتانیا رفتم، هرچه بود دیگر آن زندگی به پایان آمده و راه دیگری در برابرم گشوده شده بود. با دنیاهای مختلف و رنگارنگی روبه‌رو بودم و می‌توانستم دنیا را تا حدودی آن‌طور لمس کنم، بچشم، ببویم و ببینم که در مقابل دیدگانم و در کف دستانم است، نه آن‌طور که در صفحه تلویزیون‌ها، ماهواره، رایانه‌ها و مطبوعات ترسیم می‌شد یا معلمان مدرسه و کتب دانشگاهی به من می‌آموختند.

1. anthropology

2. The School of Oriental and African Studies (SOAS)

۳. صرفاً برخی القاب و عناوینی که سال‌های متمادی در متون علوم اجتماعی در وصف جامعه خود و جوامع اروپایی خوانده بودم و به دانشجویان یاد می‌دادم.

۴. بنا بر بررسی مجله فارن پالیسی (Foreign Policy)، شماره سپتامبر ۲۰۰۳، ایران در میان ۶۲ کشور جهان برای سه سال متوالی منزوی‌ترین کشور بوده است.